

سر مست قدرت

اعضای جلسه نیز هم آهنگ با صدام رجزخوان هستند و صدام نیز که کاملاً به وجد آمده است خطاب به وزیر دفاع می‌گوید: «وزیر دفاع! چه چیزی می‌تواند مانعمان شود هر زمان بخواهیم با نیروی نظامی قصر [نامفهوم] را بگیریم؟ چه چیزی مانع حرکت ما در همه‌ی محورها و محاصره‌ی ارتش آن‌ها و بستن راه آن‌هاست؟ یا [چه چیزی مانع ماست] تا هر کاری که می‌خواهیم با برخی مناطق [نامفهوم] انجام دهیم؟ داخل زمین [نامفهوم] و [نامفهوم]. کسی نمی‌گوید مقاومتی وجود نخواهد داشت. کسی نمی‌گوید که هیچ تلفات یا مرده‌ای وجود نخواهد داشت. نتیجه‌ی محاسبات ما این است که می‌توانیم به قلب ایران برسیم. ما می‌خواهیم به مرزهای بین‌المللی خود برسیم [نامفهوم]. ممکن است علیه ما حمله کنند [یعنی با ما درگیر شوند]. یک هواپیما می‌آید و ما آن را پایین می‌آوریم. این مرحله‌ی فعلی متفاوت از مرحله‌ی قبل است. به آن‌ها زمان کافی خواهیم داد تا کمی گرد و خاک کنند. اما به محض این که هواپیما بلند شود و به بغداد حمله کند، کار تمام است. همه‌چیز تمام است. اکنون همه‌چیز متفاوت



«نگرانی صدام از اینکه انقلاب ایران روی سرنوشت رژیم یعنی تأثیر بگذارد، کاملاً آشکار است.»
پیر رازو، کتاب جنگ ایران و عراق

④ سفر صدام و طارق عزیز، وزیر خارجه‌ی عراق، به مسکو در سال ۱۹۸۵. شوروی و عراق قرارداد نظامی داشتند اما صدام در این که روس‌ها از حمله‌ی او حمایت کنند تردید داشت.

است. اگر با مقداری فشار بپذیرند که شأن و منزلت را حفظ کنند، اشکالی ندارد. اما اگر بخواهند تأسیسات نفتی را بمباران کنند، اوضاع تشدید خواهد شد. دیگر خبری از نشست و بحث کردن نخواهد بود. بلافاصله تلافی می‌کنیم. به اندازه‌ی یک تماس تلفنی طول می‌کشد و تصمیم سریعاً به آن‌ها منتقل می‌شود... شما می‌گویید می‌توانیم زمین‌های خود را با تلفات اندک پس بگیریم. ما باید احتمالات بد را بپذیریم. از نظر تاریخی چه می‌توانیم بگوییم؟ اگر بتوانیم سرزمین خود را پس بگیریم، اما کاری انجام ندهیم، از نظر تاریخی چه می‌توانیم بگوییم؟ نمی‌توانیم این را بپذیریم.»

نگرانی از شوروی

شوروی با عراق قرارداد نظامی داشت و در جلسه مطرح می‌شود که ممکن است روس‌ها با حمله به خاک ایران موافق نباشند و یکی از اعضای جلسه از صدام می‌پرسد: «اگر صلاح بدانید، موضوع دیگر در مورد اتحاد جماهیر شوروی است. مطمئنم شما بیشتر از من اوضاع را دنبال می‌کنید و از نیت شوروی نسبت به ما آگاه هستید. به نظر من شوروی‌ها دارند بیش از قبل به ما نرمش نشان می‌دهند. با این حال، فکر نمی‌کنم آن‌ها از عراق حمایت خوبی کنند.» صدام می‌گوید: «آن‌ها تاکنون چیزی نگفته‌اند.» و مرد توضیح می‌دهد: «بله موضوع همین است. مسائل فقط به محاسبات شوروی بستگی ندارد. منظور من این است که موضوع فقط روابط شوروی با ایران و عراق نیست. محاسبات دیگری نیز مربوط به سوریه و گروه‌های دیگر هست که نمی‌خواهند عراق این موقعیت با این نقش را داشته باشد و بنابراین، به نظر من، اتحاد جماهیر شوروی در مورد تأمین مهمات سختگیر خواهد بود. این در صورتی است که اوضاع تشدید شود. اگر جنگ فقط چند روز باشد، به آن‌ها نیاز نداریم. با این حال، اتحاد جماهیر شوروی [ما] را برای مدت طولانی تأمین نخواهد کرد. لطفاً این را در تصمیم‌گیری محاسبه کنید. این یک موضوع بسیار دقیق است. نکته‌ی دیگری که در ذهن من وجود دارد این است که الان در ایران هیچ مرجعی جز خمینی

نیست که بتواند تصمیم بگیرد. او مردی سرسخت است...»

تصمیم نهایی

فردای این جلسه صدام مسرور و مغرور اعضای مجلس ملی عراق را به جلسه‌ی اضطراری دعوت کرد و اعلام کرد حالا که ایرانی‌ها به قرارداد الجزایر پایبند نیستند، ما هم آن را بی‌اعتبار می‌دانیم. صدام در نطقی حماسی گفت که عراق تصمیم تاریخی‌اش را برای پس گرفتن آب و خاکش با زور گرفته است.

ترکیب هیتلر و استالین

ژنرال حمدانی آخرین فرمانده گارد ریاست‌جمهوری عراق می‌گوید صدام «ترکیبی از شخصیت هیتلر و استالین را در خود داشت. او مثل آهن محکم، قوی و شجاع بود، همچنان که استالین این گونه بود. او جرأتی منحصر به فرد و غیرواقعی داشت. او مثل هیتلر یک شخصیت پیچیده‌ی نهفته در خود داشت. با بازی کردن نقش یک فرمانده بزرگ و قراردادن خود در منصب فرماندهی کل قوای عراق امیدوار بود که نداشتن معلومات تخصصی نظامی را پنهان کند. شخصیت او مثل مشاورانش دارای ویژگی‌های متعددی بود. در نقش مطالعه‌کننده و شنوای حرف دیگران دقیق عمل می‌کرد. در موارد دیگر اجازه نمی‌داد کسی وارد بحث شود.»

